



# تمییز دادن بدن خداوند

ویلیام ماریون برانهام

چاتاکوا، اوهایو

۵۹-۰۸۱۲

# تمیز دادن بدن خداوند

ویلیام ماریون برانهام  
چاتاگوا، اوهایو  
۶۴-۰۸۱۲

## Discerning The Body Of The Lord

William Marrion Branham  
Chautauqua, Ohio  
64-0812



[www.bargozidegan.net](http://www.bargozidegan.net)

۱-۱. متشکرم برادر سالیوان! <sup>۱</sup> عصر بخیر دوستان! بفرمایید... بنشینید. بودن زیر این سقف و در بین این مسیحیان خوب بسیار لذت بخش است. امشب انتظار داریم تا خدا کاری بسیار فراتر از آنچه که فکرش را بکنیم، برای ما انجام دهد. می‌دانیم که او حقیقت است.

۱-۲. چند نفر احساس می‌کنند که در جلسه‌ی دیشب شفا یافته‌اند؟ او، این خیلی خوب است. ما دنبال این هستیم که مابقی شما نیز امشب شفای خود را دریافت کنید و فکر کنم، فکر کنم هنوز تعدادی کارت دعا باقی مانده است. بیلی <sup>۲</sup> امشب کارت جدیدی پخش نکرده، او این را به من گفت، به همین دلیل ما کارت‌های دیشب را صدا می‌کنیم. شاید کسانی باشند که احساس می‌کردند تمایل دارند امشب به صف دعا پیوندند، ممکن است ما بعضی از آنها را امشب در صف بصیرت و دانایی بخوانیم.

این... این... این بصیرت و دانایی نیست که فرد را شفا می‌دهد؛ این تنها آنها را در شرایطی قرار می‌دهد که نظر کنند و شفای خود را که الحال عیسی مسیح آن را به انجام رسانده، بپذیرند. می‌دانید، دست‌گذاری کاری بسیار خوب و پسندیده است، چون

کتاب مقدسی است، ولی این طریق شفا برای بی‌ایمانان نیست.

۴-۱. در کتاب مقدس، یک یهودی بود که دخترش بسیار بیمار و رو به موت بود. او به عیسی گفت: "دختر من رو به موت است، آمده دست بر او بگذار و او شفا خواهد یافت."<sup>۳</sup>

اما آن مرد رومی، آن سردار بی‌ایمان، هنگامی که خادمش بیمار بود، گفت: "خداوند! لایق آن نی‌ام که زیر سقف من آیی، بلکه فقط سخن بگو و خادم من صحت خواهد یافت." این چیزی است که قلب عیسی را دگرگون ساخت. نیاز نبود تا بر او دست بگذارد. او فقط می‌خواست تا کلام را بشنود.

۶-۱. می‌دانید، این داستان را دوست دارم، زیرا آن رومی تشخیص داده بود که او مردی صاحب قدرت و اقتدار است، اگر او به کسی می‌گفت، این کار یا آن کار را بکن، این کار را می‌کرد. و او همین اقتدار و قوت را در خداوند عیسی تشخیص داده بود. زیرا می‌دانست که تمام ضعف‌ها و بیماری‌ها تحت کنترل خداوند عیسی است، از این رو، نیاز نبود تا او بیاید و بر آن خادم دست بگذارد. "فقط سخن بگو و خادم من صحت خواهد یافت."

و عیسی در شگفت شد و گفت: "چنین ایمانی را حتی در اسرائیل نیافتم." و قطعاً امیدوارم تا ما آمریکایی‌ها آن قدر زنده باشیم تا روزی چنین ایمانی داشته باشیم. "خداوند! فقط کلامی بگو و خادم من صحت خواهد یافت."<sup>۴</sup> اوه، چنین روزی بسیار عظیم و باشکوه خواهد بود.

۲-۲. اکنون، ما... بعضی اوقات هنگامی که مسح... اگر بعضی اوقات فرصت نکردم که مذهب دعا را برپا کنم، دیگر برادران من، برادر سالیوان یا سایر برادران شریف من این کار

<sup>۳</sup> اشاره به انجیل متی باب ۹

<sup>۴</sup> اشاره به انجیل متی باب ۸

را خواهند کرد. شاید کسی بگوید که ما شفای الهی را برجسته کرده‌ایم. شفای الهی درست مثل رفتن به ماهیگیری است. شما هرگز قلاب را به ماهی نشان نمی‌دهید، بلکه فقط طعمه را به او نشان می‌دهید، او طعمه را می‌گیرد و به قلاب می‌افتد. شفای الهی هم به همین صورت است. دارای جاذبه است و اثبات می‌کند، خدایی وجود دارد که زنده است و به شما علاقمند است. بی‌ایمانان نیز آن را می‌بینند. چشمان او به سرعت به سمت او جذب می‌شود و می‌داند که خدایی وجود دارد، آن وقت و بعد از آن او در مسیر نجات و رستگاری است. خدا می‌تواند او را کنترل کرده و به حرکت درآورد. پس این چیزی است که شفای الهی بخاطر آن رخ می‌دهد، محض خاطر آن رخداد.

۳-۲. افرادی در اینجا بعضی از نوارها و کتاب‌ها و چیزهای دیگر را دارند. این کاری است که آنها خودشان انجام می‌دهند. ما... من خودم شخصاً فقط آن کتاب‌ها را دارم و سایر چیزها را باید خریداری کنم. بعضی از آنها به من تعلق دارد، یعنی موعظه‌ها. مابقی کتاب‌هایی است که من خودم از برادر لیندسی<sup>۵</sup> می‌خرم مثل، «داستان زندگی من» و یک کتاب دیگر به نام «دیدار نبی از آفریقا» و به گمانم ۳ یا ۴ موعظه که متعلق به من است. آنها این اقلام را اینجا دارند، نه بخاطر پول، بلکه فقط برای اینکه پیغام منتشر شود. هدف اصلی این است، پیغام را منتشر کنید؛ زیرا در ساعتی زندگی می‌کنیم که دیرتر از آن است که تصورش را می‌کنیم. انتهای دوره است و کلیسا در وضعیت بسیار بسیار وحشتناکی است. ما فقط تلاش می‌کنیم تا نور را در بین قوم منتشر کنیم، نه اینکه آنها را از ایمانشان بازگردانیم. بلکه تلاش کنیم نزدیک‌تر به خداوند عیسی زندگی کنند و به او ایمان داشته باشند. نه بخاطر اینکه اعضای یک کلیسا را به کلیسای دیگری بکشیم، بلکه اعضای بیشتری را به کلیسای بفرستیم که قصد و هدف ماست.

۵-۲. اکنون و قبل از اینکه کلام را برای یک پیغام شامگاهی کوتاه باز کنیم، بگویم که

قصده نداریم شما را خیلی اینجا نگه داریم، چون بسیاری از شما از خارج شهر به اینجا آمده‌اید و باید به محل کار خود بازگردید، ما تا شنبه شب صبر می‌کنیم و آن وقت شما را تا دیر وقت اینجا نگه می‌داریم و بعد در روز یکشنبه مجبور نخواهید بود که قبل از ساعت ۹:۳۰ به مدرسه‌ی یکشنبه بروید. اکنون سرهایمان را برای دعا خم کنیم.

۳-۱. خداوندا! سپاسگزاریم برای این فرصت که به حضور خدا بیاییم و سرهایمان را در حضور او خم کنیم. ما می‌دانیم که توسط پسر قدوس او، خداوند عیسی، به ما وعده داده شده که هر چه در نام خداوند عیسی از پدر بطلبیم، به ما عطا خواهد شد و اطمینان داریم که اگر در نام عیسی بیاییم، با او ملاقات داشته و صدای او را خواهیم شنید. زیرا او گفته است: "هر آنچه می‌خواهید به نام من از پدر بطلبید که به شما عطا خواهد شد." و ما کاملاً اطمینان داریم که او امشب ما را می‌شنود و آنچه که می‌طلبیم به ما عطا می‌شود، زیرا احساس می‌کنیم که خواست و اراده‌ی خدا این است که ما بطلبیم. زیرا در جایی گفته است: "به شما داده نمی‌شود، چون نمی‌طلبید. نمی‌طلبید چون ایمان ندارید." خداوندا! دلیل آمدن ما این است که ایمان داریم، و ایمان داریم که تو پاسخ خواهی داد. و دعای ما، دعای ما فقط توسط انسان شنیده نمی‌شود، بلکه ایمان داریم که تو به آن گوش می‌کنی و اطمینان داریم که به ما پاسخ می‌دهی، زیرا این وعده‌ای است که تو داده‌ای. می‌خواهیم که فقط اراده‌ی تو انجام بشود.

۳-۲. ای خداوندا! عطا کن تا امشب چنان شود که اگر کسی یا کسانی اینجا هستند که تو را بعنوان نجات دهنده‌ی خویش نمی‌شناسند، امشب شبی باشد که چیزی گفته شود و یا اتفاقی بیفتد تا آنها تو را بعنوان نجات دهنده‌ی خویش بپذیرند.

باشد تا امشب آنانی که خالی از روح‌القدس هستند و اشتیاق و انتظار آن ساعت را دارند که آن پرده از جلوی چشمانشان کنار رود، خواست قلب ایشان به آنها عطا شود. اوه خداوندا! باشد تا امشب روح‌القدس تمام قلب‌ها را پر سازد. امشب چنان آشکاری از روح‌القدس در اینجا نمایان

گردد که قلب ایشان به لرزه درآمده و هرنوع شک و موهوم پرستی از ایشان دور شده و روح‌القدس به زندگی ایشان آمده، آنها را به ملکوت خدا مُهر نماید.

۳-۳. خداوند! عطا کن تا امشب، هنگامی که این جلسه به اتمام می‌رسد، حتی یک بیمار در بین ما نباشد. باشد تا همه شفا یابند. آنانی را که در بیمارستان، اسارت و یا در زندان هستند و نیازمند رحمت تو هستند، از یاد نمی‌بریم. خداوند! با ایشان باش.

و امشب چنان که اینجا را ترک می‌کنیم، مانند شاگردان بگویم: "امروز عجایب زیادی دیدیم." <sup>۶</sup> و چنان که به خانه‌های مختلف می‌رویم، قلب ما در درون ما شعله‌ور باشد. ای منجی ما! ما به تو وابسته هستیم، تا این چیزها را بر طبق وعده‌ی خویش به ما عطا کنی و وعده‌ی تو همیشه اراده‌ی توست. این را در نام عیسی می‌طلبیم. آمین!

۳-۵. امشب، اگر دوست دارید تا مکتوب کلام امشب را باز کنید، بخشی از کتاب اول قرن‌تین باب ۱۱ از آیه‌ی ۲۳ را خواهیم خواند.

<sup>23</sup> زیرا من از خداوند یافتم، آنچه به شما نیز سپردم که عیسی خداوند در شبی که او را تسلیم کردند، نان را گرفت <sup>۲۴</sup> و شکر نموده، پاره کرد و گفت: "بگیرید بخورید. این است بدن من که برای شما پاره می‌شود. این را به یادگاری من بجا آرید." <sup>۲۵</sup> و همچنین پیاله را نیز بعد از شام و گفت: "این پیاله‌ی عهد جدید است در خون من. هرگاه این را بنوشید، به یادگاری من بکنید." <sup>۲۶</sup> زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله را بنوشید، موت خداوند را ظاهر می‌نمایید، تا هنگامی که باز آید. <sup>۲۷</sup> پس هر که بطور ناشایسته نان را بخورد و پیاله‌ی خداوند را بنوشد، مجرم بدن و خون خداوند خواهد بود.

(حالا می‌خواهم متن را از آیه‌ی ۲۰، نه از آیه‌ی ۲۹ بخوانم.)

"زیرا هر که ناشایسته می خورد و می نوشد، مجرم بدن..."(صبر کنید، اشتباه خواندم).

"<sup>۲۹</sup> زیرا هر که می خورد و می نوشد، فتوای خود را می خورد و می نوشد، اگر بدن خداوند را تمییز نمی کند."

(اشک‌های زیادی روی این کتاب مقدس ریخته‌ام و بعضی از جاهای آن از بین رفته است.)

حالا، موضوع امشب ما «تمییز دادن بدن خداوند» است.

۲-۴. اکنون، تقدیر ابدی ما براساس آنچه که می‌بینیم و می‌شنویم مقدر نشده، بلکه براساس آنچه که از دیده‌ها و شنیده‌های خود تمییز و تشخیص می‌دهیم، مقدر شده است.

پولس بر سرانجام و برپایی شام خداوند با ایمانداران قرن‌تس مشاجره نداشت، عمل آنها درست بود، اما خوردن ناشایست و تمییز ندادن بدن خداوند، جایی است که اشتباه بود.

۴-۴. این مسیحیان فقط شام خداوند را می‌خوردند و به حیات زیست نمی‌کردند. مسیحیت شامل یک حیات و یک تجربه است. این مسیحیان به هر حیاتی زیست می‌کردند و یک الگوی ضعیف از اعتراف خود ارائه می‌دادند. و پولس گفت: "از این سبب بسیاری از شما ضعیف و مریض‌اند و بسیاری خوابیده‌اند."<sup>۷</sup> این یعنی که آنها مرده‌اند، زیرا بدن خداوند را تمییز نداده‌اند.

و ما که خود را مسیحی می‌خوانیم، حق خوردن شام خداوند را نداریم، مگر اینکه فراتر از هر عار دنیا زندگی کنیم. هیچ حقی نداریم. شام خداوند برای کسانی است که به درستی بعنوان یک الگوی مسیحیت زیست می‌کنند.



۲-۵. بدترین کار در دنیا این است که فردی بخواهد چیزی را جعل و یا تقلید نماید. در دنیای امروز از این افراد زیاد وجود دارند. امروز ما که چنین هستیم، نه تنها گناهکار همان گناهی هستیم که پولس بخاطرش کلیسای قرن‌تین را ملامت می‌کرد، بلکه تلاش می‌کنیم کاری را که خداوند فرمان داده، بدون تمییز دادن بدن خداوند انجام دهیم. ایمانداران، بدن خداوند هستند، ولی امروز ما این کارها را بدون تمییز دادن هیچ کلامی از کلام خدا انجام می‌دهیم. این باید با کلام خدا مقایسه شود.

۳-۵. امروز قوم به کلی تغییر یافته و گاهی آنچه را که کلیسا می‌گوید، معتبرتر از چیزی می‌داند که کلام می‌گوید. آن وقت گمان می‌کنند که کلیسا نسبت به کلام برای تشخیص صلاح ما حق بیشتری دارد. مثلاً ممکن است کلیسا بگوید: "دوران معجزات سپری شده است." و تعداد زیادی آن را باور خواهند کرد، چون آنها فکر می‌کنند که کلیسا این را بهتر و بیشتر از روح‌القدس که کلام را مکتوب نموده است، می‌داند. از این رو ما قادر به تمییز دادن کارهای خداوند نیستیم.

۴-۵. یک‌بار عیسی گفت: "کسی نمی‌تواند ملکوت خدا را ببیند، مگر اینکه تولد تازه یافته باشد." <sup>۸</sup> یا بعبارت دیگر، شما نمی‌توانید ملکوت خدا را تمییز دهید، مگر اینکه از نو متولد شده باشید.

مردم می‌آیند و به ما می‌گویند کسانی که تعمید روح‌القدس را پذیرفته‌اند، متعصب و دیوانه هستند، یا نامی که شیطان به کلیسا نسبت داده و آنها را دین خروش خطاب می‌کنند. من در تمام دنیا موعظه کرده‌ام و هنوز تابحال یک دین خروش ندیده‌ام. این نامی است که شیطان به کلیسای خدای زنده نسبت داده است.

گاهی اوقات افراد تشخیص صحیحی ندارند. آنها از اینکه به این شکل خطاب شوند،

---

<sup>۸</sup> اشاره به انجیل یوحنا ۳:۲

می ترسند. آیا نمی دانید که خداوند ما در ملاء عام بعنوان یک فرد دیوانه و یا مجنون خطاب می شد؟ فریسیان، کلیسای بلند مرتبه‌ی آن زمان می گفتند: "عقل از سر این مرد پریده است. او دیو زده است. او مجنون است." عبارت «مجنون» به معنای «دیوانه» است و اگر آنها او را دیوانه خطاب می کردند، چقدر بیشتر شاگردان او را خطاب خواهند نمود.

۷-۵. پولس به آگریاس گفت: "لیکن این را نزد تو اقرار می کنم که به طریقتی که بدعت می گویند، خدای پدران را عبادت می کنم..."<sup>۹</sup> امشب از اینکه دست در دست او می گذارم خوشحالم. به روشی که نسبت به کلیسای مدرن، تعصب و جنون خوانده شده، و این همان طریقتی است که من خدا را عبادت می کنم.

آنها را بدعت گذار می خواندند، چون بدن خداوند را به درستی تمییز نمی دادند. این کلیسای خدای زنده است.

و امشب کلیسا دیوانه خطاب می شود، چون قوم فاقد شناخت و بصیرت است. اگر انسان تولد تازه یافته و شما به من می گوئید که تولد تازه یافته‌اید، اما ایمان ندارید که شفای الهی وعده‌ی خداست و ایمان ندارید که تعمید روح القدس مربوط به امروز و برای قوم است، آن وقت من به شما خواهم گفت که شما از روح درستی مولود نگشته‌اید. زیرا روح القدس گفته که این وعده‌ای است برای شما و فرزندان و آنانی که دورند و آنانی که خداوند خدای ما ایشان را بخواند. اما قوم کلام کس دیگری را بجای آن می پذیرند و به بصیرت و شناخت نرسیده‌اند. آنها قادر به تشخیص درست و غلط نیستند.

۳-۶. امروز به این فکر می کنم که بسیاری از ما غول‌های هوش و خرد، نه ما، بلکه بسیاری از غول‌های هوش و خرد... قوم خدا هرگز روشنفکران بزرگی نبوده‌اند. کتاب مقدس

<sup>۹</sup> اعمال رسولان ۱۴:۲۴

می‌گوید که در این جهان فرزندان تاریکی خردمندتر از فرزندان نور هستند. خدا قوم خویش را به گوسفند تشبیه نموده است. آنها باهوش و خردمند نیستند. او آنها را طوری حفظ می‌کند که هدایت و رهبری کند. اگر تلاش کنید که از افکار خردمندانه‌ی خود استفاده کنید، آن‌وقت فرزندان خدا توسط روح خدا هدایت می‌شوند. ولی دوره‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم، یک دوره‌ی عظیم روشنفکری و خردمندی است.

۴-۶. چند ماه قبل در اینجا (این را در روزنامه خوانده‌اید.) دادگاهی در نیویورک برگزار شد. دو واعظ که مدتی قبل از آن احساس کردند توسط خداوند هدایت شده‌اند، دوستانی که مانند خود من به سختی الفبا را بلد بودند، خدا آنها را هدایت کرد تا یک ساختمان در پایین شهر خریداری نمودند و در آنجا انجیل را برای برادران لغزش خورده‌ی خود موعظه می‌کردند. یک شرکت بزرگ آمد تا آنجا را بخرد. تمام ساختمان‌های اطراف، غیر از ساختمان این واعظین فروخته شد. آنها مکاشفه داشتند که خدا خواستار ماندن آنها در آنجاست، پس املاک خود را حفظ کردند و این باعث شد تا مقامات آنها را به دادگاه بکشانند.

۵-۶. آنها به دنبال یکی از به اصطلاح غول‌های روشنفکری، وکیل مدافع گرینوال<sup>۱۰</sup> فرستادند. او باعث شد تا آن دو واعظ از خودشان خجل شوند. او بسیار تحصیلکرده بود و از فن بیان بالایی برخوردار بود، به نحوی که این دو دوست ما نمی‌دانستند چگونه باید به او پاسخ بدهند. او یک غول روشنفکری بود، یکی از بهترین وکلایی که در نیویورک هستند. او این دو رفیق را بسیار گیج کرده بود، آنها نمی‌دانستند که باید چه بگویند. سرانجام او گفت: "شما خودتان چه صحبتی دارید؟"

یکی از واعظین برخاست و درحالی که دست دیگری را در دست داشت، گفت: "آقا! تنها چیزی که می‌دانیم، این است که خدا به ما گفته آن ساختمان را بگیریم."

---

<sup>۱۰</sup> Greenwall

وکیل گرینوال گفت: "همین جا مکث کن. ما در این پرونده به خدا احتیاجی نداریم." حدود دو هفته بعد یک هواپیما در آب‌های یخبندان سقوط کرد و وکیل گرینوال در آن آب‌ها دست و پا می‌زد و با مرگ دست و پنجه نرم می‌کرد. می‌خواهم بدانم آیا در آن صحنه او خواستار خدا بود یا نه.

۳-۷. جریان از چه قرار بود؟ او بدن خداوند را تمییز نداده بود، زیرا آن واعظین اراده‌ی خدا را داشتند و به روح‌القدس مسح گشته بودند. ما نیاز نداریم تا غول‌های روشنفکری باشیم. تنها چیزی که نیاز داریم، این است که خادمین متواضع و فروتن خداوند باشیم و بدن او را تمییز دهیم. تمام زندگی، زیرکی و تحصیلات او... می‌دانید، کتاب مقدس می‌گوید: "هر که یکی از این صغار را که به من ایمان دارند، لغزش دهد او را بهتر می‌بود که سنگ آسیابی بر گردنش آویخته در قعر دریا غرق می‌شد."<sup>۱۱</sup> به گمانم او وقت زیادی داشت تا فکر کند و خداوند را به روی صحنه بخواند، ولی بدن خداوند را تمییز نداد.

۴-۷. گاهی اوقات اگر ما آمریکایی‌های خردمند آن‌قدر بصیرت داشته باشیم تا خوب و بد را تشخیص دهیم، من شگفت‌زده می‌شوم. مخصوصاً دادگاه جوانان ما اثبات می‌کند که ما به بصیرت تشخیص درست و غلط برای فرزندانمان نرسیده‌ایم. و به نظر می‌رسد که آنها یک پاسخ روانشناسانه‌ی خوب برای این داشته باشند. برای نمونه اگر کودکی نزد پدرش بیاید، با پر زمین بکوبد، فریاد بزند، سر خود را تکان بدهد و بگوید: "پدر! برایم مهم نیست که تو چه می‌گویی. من یک اتومبیل مسابقه‌ای می‌خواهم..." (این در آمریکا عادی است).

پدر می‌گوید: "بسیار خوب پسر! برایت می‌خرم."  
می‌توانی به پدر بگویی: "چرا این کار را کردی؟"

"اوه، او را دوست دارم."

پدر! یادت باشد که این جوان بزرگ می‌شود تا یک روز مرد شود. او روزی ازدواج کرده و خانواده‌ای خواهد داشت. خدا به همسری که با چنین پسری زندگی می‌کند، کمک کند. او طوری بزرگ شده که هر چه می‌خواهد، در دسترس اوست، پس قدرت تشخیص خوب و بد را ندارد. این محبت نیست، جهل کامل است. کتاب مقدس حقیقت و راستی است. آن ماشین را ببخشید و پسران را لوس کنید.

۶-۷. فانی کوچولو پیش مادرش می‌آید و می‌خواهد به مهمانی راک اند رول برود. مادر می‌گوید که نمی‌تواند این کار را انجام دهد. "اما، اوه مادر! خیلی ظالمانه با من رفتار می‌کنی." البته، شما او را دوست دارید و اجازه می‌دهید که برود. او می‌رود بین یک مشت آدم گردن کلفت و این قبیل مزخرفات. بعد برمی‌گردد، آرایش لب‌هایش را پاک می‌کند و یک دروغ به شما می‌گوید که البته در آن هیچ ضرر و آسیبی نیست. خدا به پسری که می‌خواهد با چنین دختری بعنوان همسر ازدواج کند، رحم کند. تشخیص و تمیز درست و غلط. ما حتی نمی‌توانیم خودمان را تمیز دهیم.

۱-۸. گاهی اوقات از اینکه حتی بتوانیم درست و غلط را برای بدن خودمان تشخیص دهیم، متعجب می‌شوم؛ چه برسد به بدن خداوند. ما درست و غلط را برای بدن خودمان هم تشخیص نمی‌دهیم. روزها و هفته‌ها از پی هم، ماه بعد از ماه و سال به سال دانشمندان در آزمایشگاه‌ها کار می‌کنند، متون زیادی منتشر می‌سازند و هشدارهای گوناگونی از این قبیل مسائل به مردم می‌دهند. مثلاً "سرطان بخاطر..." و یا "۲,۲۷۰ نفر یا چیزی در این حدود از آمریکاییان امسال بخاطر استفاده از سیگار خواهند مرد." و شما همچنان سیگار مصرف می‌کنید. ما حتی نمی‌توانیم بدن خود را تمیز دهیم، تمیز دادن روح القدس و بدن خداوند که جای خود دارد.

۸-۲. آیا شما آن مقاله‌ای را که آن دانشمند در مورد تمام تحقیقات خود منتشر کرده بود، دیده‌اید؟ او می‌گفت: "استعمال سیگار نه تنها باعث ابتلا به سرطان می‌شود، بلکه خطر ابتلای شما به سایر بیماری‌ها را تا ۵۰٪ افزایش می‌دهد." و شما همچنان آن را استعمال می‌کنید.

چند وقت پیش خانمی را ملاقات کردم که به سیگار اعتیاد داشت. او یک یادداشت در جیب من گذاشته بود و گفت: "هروقت به منزل رسیدی، این را بخوان."

گفتم: "ممنون، الان آن را می‌خوانم." یادداشت را درآوردم و شروع کردم به خواندن. او گفته بود: "دور از نزاکت است که یک خادم پشت منبر علیه سیگار صحبت کند. این به شما ارتباطی ندارد."

گفتم: "این وظیفه‌ی من است تا علیه هر چیزی که اشتباه است، صحبت کنم." خدا به واعظی که هنوز به بصیرت کافی در شناخت راستی نرسیده است، کمک کند. هر چیزی که اشتباه است... واعظی که نمی‌تواند نیاز قوم خویش را توسط روح‌القدس تشخیص دهد... خدا گفته است: "این بدن هیكل روح‌القدس است، اگر آن را آلوده سازید، نابودش خواهم کرد."<sup>۱۲</sup> ما باید بر ضد آن موعظه کنیم. مشکل اینجاست که بسیاری از واعظین خودشان سیگاری هستند. بله، موضوع این است. و آنها می‌ترسند که این را در جماعت خود بگویند، چون می‌دانند که خودشان هم گناهکار هستند.

۸-۷. تشخیص درست... ویسکی، الکل، چرا آنها می‌گویند که این مضر است؟ در تمام تصاویر تلویزیونی، روی تمام بلبوردها و تمام صفحات روزنامه‌ها، قوطی‌های بزرگ آبجو را می‌بینید، درحالی که یک خانم دوست داشتی درحال نوشیدن آن است. آنها به

<sup>۱۲</sup> اشاره به اول قرن‌تین باب ۶

شما نشان می‌دهند که کی شروع می‌کنند. اندکی بعد از آن به آنها نگاه کنید. این ذهن را مسموم می‌کند. افزایش جنون استفاده از آن وحشتناک است. این باعث فساد در بین جوانان می‌شود. حتی کلیساها امروزه در حال موعظه‌ی این هستند که: "فقط گاهی بنوشید." می‌دانید؟ این حقیقت است. به جوانان و خانواده‌ها می‌گویید: "اجازه دهید فرزندان بنوشند. آنها در هر صورت این کار را خواهند کرد. پس به آنها بیاموزید که فقط بعضی اوقات بنوشند." کتاب مقدس این را محکوم می‌کند. این درست نیست. خدا به انسان یا کلیسایی که شناخت و بصیرتش بیش از این نیست، کمک کند، چرا که نمی‌تواند درست و غلط را تشخیص دهد.

۱-۹. اوه، دورانی که در آن زندگی می‌کنیم، دوره‌ای وحشتناک و مهیب است. تشخیص بدن خداوند... در کلیسایمان و در بین کلیسای امروز، رفتار زنانمان هم بسیار شرم‌آور است، بسیاری از آنها آن لباس‌های غیر اخلاقی و آن دامن‌های کوتاه را بر تن می‌کنند. چند وقت پیش یک خانم به من می‌گفت، یعنی بسیاری از آنها تابحال گفته‌اند: "بیلی! بهتر است از صحبت در این مورد دست برداری." خیر قربان! شاید روزی مجبور باشم تنها برای این ستون‌ها موعظه کنم، اما فقط حقیقت را خواهم گفت. درست است. درست است. متشکرم. این اشتباه و گناه آلود است.

مثل آن خانم که یک بار به من گفت: "من دامن کوتاه نمی‌پوشم، بلکه از شلواریهای گشاد استفاده می‌کنم."

گفتم: "این بدتر است. کتاب مقدس می‌گوید این شرارت به خداست که یک زن لباسی را برتن کند که متعلق به مردان است." این حقیقت است. بعد بهانه این است که لباس‌های دیگری جز اینها تولید نمی‌شود. ولی همچنان هم چرخ خیاطی ساخته می‌شود، هم پارچه موجود است.

۴-۹. زنی که چنین پوششی داشته باشد، در روز داوری گناهکار عمل زنا خواهد بود. شاید شما نسبت به شوهر و یا دوست پسران به لطافت یک برگ گل باشید، اما عیسی گفت: "هر کس به زنی نظر شهوت اندازد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است."<sup>۱۳</sup> بنابراین شاید شما حقیقتاً کار بدی انجام نداده باشید، ولی وقتی آن گونه لباس می پوشید، خود را به یک مرد نمایش داده اید. او باید بابت ارتکاب زنا پاسخگو باشد و شما مقصر هستید. کلیسا دارد آن پوشش را مجاز می کند، بدون اینکه بدن خداوند را تمییز دهد. افسوس!

۵-۹. موهایشان را کوتاه می کنند. کتاب مقدس می گوید زنی که موهایش را کوتاه کند، شوهرش حق دارد او را طلاق دهد، چون مرتکب خیانت شده است. او گفته است که آن زن سر خود را بی آبرو می سازد. درست است؟ و سر زن، مرد است.

می دانم که این سخت است، ولی ما به بصیرت نیاز داریم. کلام درست است. کلام را بگیرید. کلام خدا همیشه درست است.

۱-۱۰. ما نمی توانیم توسط آنچه که مردم فکر می کنند، یا آنچه که روشنفکران و یا روانشناسان ما می گویند، بدن خداوند را تمییز دهیم، ما باید با آنچه که خدا می گوید، حرکت کنیم. "انسان نه محض نان زیست می کند، بلکه به هر کلمه ای که از دهان خدا صادر گردد."<sup>۱۴</sup> "... بدن خداوند را تمییز نمی کنند، از این سبب بسیاری ضعیف و مریض اند و بسیاری خوابیده اند." "مرده، مرده ی روحانی. آخرین بلایی که بر مصر نازل شد، مرگ بود. آخرین بلایی که کلیسا را می زند، مرگ روحانی است. آنچه امروز به آن نیاز داریم، یک بیداری روحانی است؛ یک بیداری روحانی برای تمییز دادن.

۲-۱۰. شاید این افراد با نیتی خوب این کار را انجام داده باشند. مردی در جنوب بود

<sup>۱۳</sup> انجیل متی ۲۸:۵

<sup>۱۴</sup> انجیل متی ۴:۴



که یک روز دکتر به او اسید سولفوریک داد و این باعث مرگش شد. او قصد بدی نداشت، فکر می کرد که کار درست را انجام داده است، ولی تشخیص او درست نبود. او درمان را تشخیص نداده بود.

مانند آن دختر کوچولویی که در خیابان قدم می زد، او یک بچه گریه ی کوچک را پیدا کرد که خیس شده و تقریباً یخ زده بود. دختر بچه او را به خانه برد، اجاق را باز کرد و گریه را داخل آن گذاشت تا گرم شود. هدف او خوب بود، ولی راه حل او ضعیف و اشتباه بود. ما... ما توجه نمی کنیم، ما هم با بعضی از این تشخیص های روشنفکرانه آن بچه گریه را خواهیم پخت.

۴-۱۰. کمونیست به سمت ما آمده است. جهان به سمت ما آمده است. کلیساها از هم جدا شده اند. انسان ها خود را دسته بندی می کنند، خود را جدا می سازند. البته نه بخاطر ایمانشان، بلکه بخاطر مشتی تعالیم ناچیز این کار را انجام می دهند. ما باید به یکدل و دست در دست هم برای دعا و روزه جمع شویم و خدا را بخوانیم تا زمانی که خدا روح القدس را بفرستد تا ما دوباره بتوانیم بصیرت روحانی داشته باشیم.

اکنون ساعت به آخر رسیده است. ما در آستانه ی آمدن خداوند هستیم و کلیسا نمی تواند این را تمییز دهد. ساعتی که در آن هستیم، دیرتر از آن چیزی است که فکرش را بکنید.

اگر پولس امشب در وسط شهر از مرگ برمی خاست، آن وقت شما حتماً صحبت از سوزاندن او می کردید. آنها او را بعنوان دیوانه و یا یک وحشی به زندان انداخته بودند. آن مرد از روح القدس پر شده بود و همه چیز را به همان شکلی که بود، می دید و می دانست که زمان نزدیک است، یک بیداری خواهد بود و یا آنها مجبور خواهند شد برای شنیدن او به زندان بیایند. درست است.

۷-۱۰. تمام آنچه عیسی گفت و کتاب مقدس از آن صحبت می کند، این است که در ایام آخر و درست قبل از آمدن خداوند، آیات و معجزات عظیم در زمین واقع خواهد شد. و شما می دانید که کلیسا آن قدر در الهیات و انواع و اقسام آموزش ها و تعالیم غرق و دچار مرگ شده که دیگر قادر به تشخیص این چیزها نیست.

۲-۱۱. پس ما... یک جای کار ایراد دارد. من در مورد تمام کلیساها صحبت می کنم، تمام کسانی که خود را مسیحی می خوانند. خدا می تواند شروع به ایجاد یک حرکت نماید و امور روحانی رخ بدهد تا مردم نجات یابند و از روح القدس پر شوند. هزاران نفر از آنانی که خود را مسیحی می خوانند، از آن کناره خواهند جست و خواهند گفت: "اوه آن، آن، آنها دین خروش هستند." شما به بصیرت روحانی نرسیده اید. روح القدس آنچه را که مکتوب کلام است، انجام خواهد داد. همه چیز را با کتاب مقدس بسنجید.

این طریقی است که ما می فهمیم آیا تشخیص ما درست است یا خیر. اگر کتاب مقدس گفته است: "عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابد الابد همان است."<sup>۱۵</sup> من به آن ایمان دارم. اگر کتاب مقدس... اگر عیسی گفته است: "هر آنچه من می کنم، شما نیز خواهید کرد."<sup>۱۶</sup> من به آن ایمان دارم. و اگر کتاب مقدس گفته است که روح القدس وعده ی تمام نسل هاست و هر کس که خدای ما او را بخواند، من قبول نمی کنم که یک دست دادن ساده و یا چیزی شبیه به این جای آن را بگیرد. ایمان دارم که این همان روح القدس است که در آن زمان فرو ریخت و همان آیات و معجزات را نشان می دهد.

۴-۱۱. بهترین شاهد و شهادت برای اینکه روح القدس را یافته ایم، زمانی است که روح ما هماهنگ با کلام ثمر می دهد. اگر خود را مسیحی می خوانیم و می گویم که با روح پر شده ایم و می بینیم که تعمید روح القدس برای ایمانداران تمام ادوار رخ داده است و

<sup>۱۵</sup> عبرانیان ۸:۱۳

<sup>۱۶</sup> اشاره به انجیل یوحنا ۱۴:۱۲

آن وقت روح ما می‌گوید که این مربوط به یک دوره‌ی دیگر است، پس در اشتباه هستیم. درست است.

وقتی کتاب مقدس می‌گوید که عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدآباد همان است، اگر روح ما بگوید: "نه، او مرده است و..." یک جای کار ایراد دارد.

عیسی گفت: "اعمالی را که من انجام می‌دهم، شما نیز بجا خواهید آورد، اینک تا انقضای عالم همراه شما هستم."<sup>۱۷</sup>

و اگر روح ما از آن کناره می‌گیرد، چیزی که ما یافته‌ایم، قطعاً روح القدس نیست. زیرا روح القدس به هر مکتوب کلام «آمین» خواهد گفت.

دانش عقلانی، شما را از آن کنار خواهد کشید، لیکن روح القدس به کلام خویش «آمین» خواهد گفت. قطعاً این کار را خواهد کرد. او درحال جستجو برای یافتن کسی است که بتواند بر او قرار گیرد.

۷-۱۱. فکر نکنید که قادر هستید نیکویی او را به اتمام برسانید. تصور کنید که یک ماهی نیم اینچی وسط اقیانوس آرام بگوید: "بهرتر است کمتر آب بخورم، ممکن است تمامش کنم." این همان قدر احمقانه است که شما بخواهید نیکویی خدا را تمام کنید. بسیار بطلید که شادی شما کامل خواهد شد. به خدا بخاطر تمام وعده‌هایی که داده است، ایمان داشته باشید. این از آن شماست.

۱-۱۲. انبیای عهد عتیق، دانیال و سایرین گفته‌اند: "در ایام آخر، قوم، خدای خود را از طریق اعمال برجسته‌اش خواهد شناخت." این یک وعده است. زمانی که روشنفکران به این شاهکارها نگاه می‌کنند، خواهند گفت: "اوه، این روانشناسی است؛ یک تله پاتی

ذهنی است؛ این از شریر نشأت می‌گیرد."

اما روح‌القدس پاسخ خواهد داد: "آمین! این حقیقت است." تشخیص درست. عیسی این را وعده داد. عیسی گفت: "عملی که من بجا آورم، شما نیز بجا خواهید آورد، حتی بزرگ‌تر از آن، زیرا من نزد پدر می‌روم."

۲-۱۲. پولس وعده داد که در ایام آخر و بواسطه‌ی روح‌القدس کلیسا خواهد افتاد، میلیون‌ها نفر از آنها. "در ایام آخر زمان‌های سخت پدید خواهد آمد، مردمان خودپرست خواهند بود و طماع و لاف‌زن و... خیانت‌کار و تندمزاج که عشرت را بیشتر از خدا دوست می‌دارند." <sup>۱۸</sup> بدون تشخیص درست.

شما می‌گویید: "اوه، این مربوط به کمونیست است." خیر، اینها همان به اصطلاح مسیحیان هستند.

آیه‌ی بعدی را ببینید: "صورت دینداری دارند، لیکن قوت آن را انکار می‌کنند..." <sup>۱۹</sup> بدون بصیرت روحانی. هنگامی که به بصیرت روحانی برسید و روح‌القدس بر شما باشد، شما دارای شناخت روحانی هستید و آن بصیرت به هر وعده‌ی خدا «آمین» می‌گوید.

۴-۱۲. پولس گفت که آن ایام خواهند بود. ما به آن رسیده‌ایم. اکنون اینجاست، با ماست، نگاه می‌کنیم و آن را می‌بینیم. آن را از همه جا می‌شنویم و بعد چه کار می‌کنیم؟ این باید ما را به هم جذب کند. کتاب مقدس گفته است: "هر چه به فرارسیدن آن روز نزدیک می‌شویم، با یکدیگر جمع شویم." باید بیداری بعد از بیداری و آتش جلال خدا در هر کلیسا و هر مکانی باشد، یک تجمع عظیم. جایی که تمام کلیساها با یکدل دور هم جمع می‌شوند و الهیات انسانی خود را فراموش کرده و برای دریافت قوت روحانی و بصیرت

<sup>۱۸</sup> اشاره به دوم تیمونائوس ۲: ۴

<sup>۱۹</sup> دوم تیمونائوس ۵: ۳

روحانی در دعا می‌ایستند. این ساعتی است که به آن نیاز داریم.

۵-۱۲. شاید این را بگویم که عیسی برای شناختن زمان آخر، روزی را به ما می‌دهد. (چنان که دیشب به آن پرداختم.) "چنان که در ایام لوط بود، در زمان پسر انسان نیز چنین خواهد بود." <sup>۲۰</sup> حال، آیا روح شما این را به درستی تمییز می‌دهد؟ "چنان که در ایام لوط بود..." یادتان باشد، لوط نمونه‌ای از آمریکا بود. این اثبات شده است. گناه سدوم چه بود؟ گناه آنها انحراف بود و در این کشور آمریکایی ما، زنان چنان خود را منحط ساخته‌اند که ذات انسانی افراد منحرف گشته است.

چند هفته پیش که در لس‌آنجلس، <sup>۲۱</sup> در یکی از جلسات تاجران مسیحی بودم یکی از یادداشت‌های خبری آنها را برداشتم تا مطالعه کنم. درجایی از آن دیدم که تحلیلگران عنوان کرده‌اند، انحراف و همجنسگرایی در سال گذشته بالغ بر ۲۰٪ افزایش داشته است.

۱-۱۳. عیسی گفت: "چنان که در ایام سدوم بود..." پلیس، جنایات و تمام این چیزها، بیشتر به دلیل این است که پسران بعنوان زن و شوهر با هم زندگی می‌کنند و زنان هم به همین صورت زندگی می‌کنند. آنها منحرف گشته‌اند. ذهن آنها یک ذهن آلوده است، زیرا آنها از شناخت و بصیرت روحانی برخوردار نیستند. همه چیز فقط شهوت و رجاست است، آنها نمی‌توانند خود را راضی و خشنود کنند، حتی با یکدیگر. آنها حتی ازدواج نمی‌کنند. فقط خانه را ترک می‌کنند و... آنها منحرف شده‌اند. عیسی گفت که ایام آخر چنین خواهد بود. بفرمایید. اینجاست.

۲-۱۳. و همچنین یادتان باشد که در ایام سدوم... به گمانم همه‌ی شما محققین و خادمین کتاب مقدس با این موافق باشید. دکتر اسکوفیلد <sup>۲۲</sup> و بسیاری دیگر، بیشتر

<sup>۲۰</sup> اشاره به انجیل لوقا باب ۱۷  
<sup>۲۱</sup> Los Angeles جنوب غربی آمریکا  
<sup>۲۲</sup> Doctor Scofield

معلمین و محققین بزرگ مانند چارلز فولر<sup>۲۳</sup> و... محققین بزرگ کشور موافق هستند که ابراهیم نمایانگر روح بود، کلیسای روحانی. لوط نیز نمایانگر کلیسای جسمانی و نفسانی بود. اگرچه لوط در خود عدالت داشت، ولی در سدوم و در گناه بود. او با آن درآمیخته بود. پس این را یادتان باشد. دو واعظ روشنفکر بودند که رفتند تا برای مردم سدوم موعظه کنند. آنها هیچ معجزه‌ای انجام ندادند، فقط آنها را کور کردند. موعظه‌ی صلیب، بی‌ایمانان را کور می‌کند. این کاری است که جلسات بزرگ بیلی گراهام<sup>۲۴</sup> و سایرین انجام می‌دهد. این آنها را بدتر کرده است.

۱۳-۳. بیلی گراهام چند هفته پیش اظهار کرد که (شما این را شنیده‌اید.) وقتی با همسرش در پارکی در انگلستان قدم می‌زد، مجبور شد تا همسر خود را از آنجا دور کند، چون مردان و زنان عمل جنسی را در پارک و در ملاء عام انجام می‌دادند. جایی که او در آن جلسات بیداری را برگزار می‌کرد. درست جایی که او جلسات بیداری داشت. آیا این هیچ فایده‌ای دارد؟ من غضب و خشم خدا را بر زمین بخوانم تا آتش خدا بر زمین بریزد و یک چیز متفاوت ایجاد شود، اما هیچ اتفاقی هم نیفتد. مردم چشم انتظار آمدن چیزی عظیم هستند و شما در انتهای چیزی هستید که الحال آمده است. آخرین نشانه‌ها به کلیسای امت‌ها داده شده است. یهودیان بعد از اینکه کلیسا ربه شده، آن را خواهند داشت، ولی ما در پایان دوره‌ی امت‌ها هستیم.

۱۳-۵. حال، در انتها باید این را بگویم. آیا تابحال توجه کرده‌اید کسی که با کلیسای روحانی سخن می‌گفت، چگونه فردی بود؟ او پشت به چادر نشسته بود و گفت:

"همسرت سارا کجاست؟"<sup>۲۵</sup>

گفت: "او داخل چادر است."

<sup>۲۳</sup> Charles Fuller

<sup>۲۴</sup> Billy Graham

<sup>۲۵</sup> اشاره به پیدایش باب ۱۸

او گفت: "موافق زمان حیات تو را ملاقات خواهم نمود و... و سارا در داخل چادر در دل خویش خندید.

و فرشته گفت: "چرا او خندید؟"

عیسی گفت: "چنان که در ایام سدوم بود، همچنان آمدن پسر انسان خواهد بود."

۱۴-۳. حال، آیا متوجه شدید که چرا چنین خادمی فقط می‌تواند نزد قوم انجیل تام برود؟ آیا می‌دانید از کجا آمده است؟ من در یک کلیسای باپتیست رشد کردم و قرار بود تا یک خادم و واعظ باپتیست باشم، ولی هنگامی که چیزی در قلبم به جوش آمد، تشخیص دادم که این کلام خداست. او آن را آشکار نمود.

آنها به من می‌گفتند: "بیلی! تو یک دین خروش خواهی شد. کسی به چنین چیزهایی گوش نخواهد کرد."

من می‌گفتم: "اگر خدا این را فرستاده است، اگر او این را وعده داده است، پس کسی را برای گوش دادن به آن خواهد داشت." درست است.

۱۴-۶. بدن خداوند را تمییز دهیم. اوقاتی را که در آن زندگی می‌کنیم، تمییز دهیم. اگر این کار را نکنیم، از نظر روحانی خواهیم مرد. اگر این حقیقت است، اگر روح القدس با ماست و ما آخرین نشانه‌ها را درست قبل از آمدن او دریافت کرده‌ایم... یادتان باشد، این درست قبل از آن بود که سدوم در آتش بسوزد، درست چند ساعت قبل از اینکه در آتش بسوزد.

۱۴-۷. ایمان دارم که امروز... بسیاری از شما سخنان خروشچف<sup>۲۶</sup> خطاب به آمریکا را شنیده‌اید. این را در روزنامه‌ها خوانده‌اید. این بیانات اوست. شما که بصیرت جسمانی

<sup>۲۶</sup> Nikita Sergejevich Khrushchev - نیکیتا سرگیویچ خروشچف، (۱۹۷۱-۱۸۹۴) رهبر شوروی بعد از استالین و دبیر اول کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست در اتحاد جماهیر شوروی از ۱۹۵۲ و نیز نخست‌وزیر شوروی از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۴

دارید، این را متوجه خواهید شد. او گفته بود: "اگر خدایی وجود داشته باشد، معبد را از وجود شما صرافان و سرمایه داران پاک خواهد کرد." شما می‌دانید که این به چه معنی است، نمی‌دانید؟ و حق با اوست. یک کافر، یک شریر، یک متقلب و... باید آنها را تهدید کند و آنها همچنان در خواب هستند، می‌نوشند و می‌خوانند و در جهالت خود بسر می‌برند؛ چون بصیرت روحانی از بدن خداوند ندارند. ما در چه دورانی زندگی می‌کنیم؟

۸-۱۴. برادر و خواهر! با شما عزیزان هستم، نمی‌خواهم که مغرض باشم. فقط حقیقت را به شما بازگو می‌کنم. فقط بخاطر کتاب مقدس مسئول هستم و به شما می‌گویم که اگر به من بعنوان نبی یا خادم او ایمان دارید، پس ایمان داشته باشید که حقیقت را به شما می‌گویم. انتها نزدیک است. چقدر نزدیک، نمی‌دانم. هیچ کس دیگری هم نمی‌داند، ولی می‌دانم که در آستانه‌ی آمدن او زندگی می‌کنیم.

نمی‌توانید تهدیدهای آنها را ببینید؟ آیا می‌دانید که آنها به چه چیزی رسیده‌اند؟ می‌خواهند آن جام را تا آخر سر بکشند و این را تمسخر کنند. نمی‌توانید این کار را بکنید. شما این کار را می‌کنید تا آنها را از دست یافتن به بصیرت روحانی که خدا بتواند دست نوشته را بر روی دیوار به آنها نشان بدهد، بازدارید. می‌دانیم که این آنجاست. شما می‌توانید با استفاده از تلویزیون، هالیوود، جوک‌ها و... تمسخر کنید و یا اگر می‌خواهید در منزل خود بمانید و آن را با چیز دیگری مبادله کنید. ولی یک مرد و زن که از روح القدس تولد تازه یافته باشند، جای خود را در کلیسا خواهند یافت. آنها پرستش و تضرع می‌کنند و تمام کارهای ممکن را در زندگی خود می‌کنند تا باعث بازگشت گناهکاران باشند. قطعاً اینچنین است.

۹-۱۴. اگر این خداست و اگر شما بصیرت یافته‌اید، باید قلب خود را بر آن قرار دهید. تلاش کنید. نروید بگویید: "بله، من به این ایمان دارم. این حقیقت است. این خوب



است. "آمین! بروید کار کنید، تلاش کنید. شما بصیرت یافته‌اید. تازمانی که روشنی هست، کار کنید؛ زیرا شب می‌آید و کسی قادر به کار نیست. تا زمانی که دری باز است، تلاش کنید. عزیزانمان را وارد کنیم. آنها را به شادی انجیل وارد کنیم. دوستانمان و همسایگانمان را، خدا برای آن مردم مُرد و ما باید آن‌قدر به آنها اهمیت بدهیم که تا وقتی خون در رگ‌های ما جاری است، تلاش کنیم. اگر این کار را نکنیم، تهی خواهیم شد.

۱۵-۱. مثل دختر کوچولویی که اخیراً همین‌جا و در کنتاکی مرد، آنها ۸ خواهر و برادر بودند. یک دختر کوچولو در بین آنها بود و حدود ۱۲ سال سن داشت. برادران و خواهران او بسیار تنبل بودند و هیچ کاری انجام نمی‌دادند. مادر آنها بخاطر بیماری مهلک سل در حال مرگ بود. آن دختر کوچولو، باید نظافت، پخت و پز، شست و شو و مراقبت از مادرش را انجام می‌داد، درحالی‌که مابقی آنها در اطراف پرسه می‌زدند و بازی می‌کردند.

سرانجام مادر آنها مرد و آن دختر باید همچنان به کار خود ادامه می‌داد، چون هیچ کدام از آنها کار نمی‌کردند. او کار کرد و کار کرد و کار کرد، تا اینکه سرانجام به سوء تغذیه دچار شد و چیزی برای خوردن نداشت، درنهایت آن بدن نحیف فرو ریخت و او رو به احتضار افتاد.

۱۵-۳. یک معلم مدرسه‌ی یکشنبه به منزل آنها آمد و گفت: "آیا تو مسیحی هستی؟"

دختر گفت: "بله، هستم."

گفت: "عضو کدام فرقه هستی؟"

دختر گفت: "عضو هیچ فرقه‌ای نیستم."

مرد گفت: "پس به من بگو، در آن دنیا چگونه می‌خواهی به ملاقات عیسی بروی؟ می‌خواهی به او نشان بدهی که عضو کدام کلیسا هستی؟"

دختر گفت: "من فقط دست‌هایم را به او نشان خواهم داد. او خودش متوجه خواهد شد."

اکنون فکر می‌کنم که وقتی چنین جلساتی را برپا می‌کنیم، این چیزی است که او از ما انتظار دارد. او می‌خواهد به دستان ما نظر کند تا ببیند در این مورد چه کاری انجام داده‌ایم. بصیرت روحانی، تمییز دادن بدن خداوند.

بباید دعا کنیم. اگر این دست‌ها باید به کار گرفته شود و شما می‌دانید که اینچنین است، آیا دست‌هایتان را به سوی خدا بلند نمی‌کنید تا از او بخواهید هنگامی که دعا می‌کنیم، آنها را برای خود تقدیس کند؟

دستانتان را بلند کنید.

۲-۱۶. خداوند! به آن دستان و همچنین دستان من نظر کن. نمی‌خواهم که تهی باشم، ای خداوند! بلکه می‌خواهم مانند یک سرباز به حضور تو بیایم. می‌خواهم تا هنگام مرگ موعظه کنم. می‌خواهم تضرع و دعا کنم و روزه بگیرم، چون می‌دانم که شب درحال گذر است و ساعت بسیار نزدیک است. خداوند! چشمان من را بگشا تا نشانه‌های آمدن تو را بیشتر ببینم. امشب قلب این قوم را با آیات عظیمی که وعده داده‌ای، بسوزان.

وقتی پیشگویی جهان را می‌بینیم و می‌شنویم که مردان گناهکار فریاد برمی‌آورند که می‌خواهند شهرها را ویران سازند، می‌دانیم که آنها برای این کار بمب‌ها را در اختیار دارند، لیکن تو رحمت خود را ارزانی داشتی تا کلیسای خود را مهیا سازی. خداوند! امشب ما را مهیا کن. قلب ما را به خدمت بگمار. حضور خود را به ما نشان بده، زیرا می‌دانیم که از مرگ برخاستی، همان عیسی، دیروز، امروز و تا ابدالآباد. تو بصورت روح‌القدس اینجا هستی تا از طریق کلیسای خویش برای شفاعت و نجات عمل کنی.

خداوندا! چنان که امشب این قوم و خود را تقدیم می‌کنم، ما را بشنو. در نام عیسی، پسر خداوند. آمین!

۴-۱۶. اوه، بخاطر رحمت او، بخاطر نیکویی او، واقعاً احساس خستگی می‌کردم. این در قلب من بود. امیدوارم که برادران متدیست، بپتیست و یا پنطیکاستی خود را نرنجانده باشم. اگر چنین شده، اصلاً چنین قصدی نداشتم. می‌خواهم شما را بیدار کنم، اندکی شما را به حرکت وادارم. ما در انتها هستیم. بدون اینکه بدن خداوند را تمییز دهیم، از یکدیگر جدا شده‌ایم، نه بخاطر اینکه ایمان داریم... اگر زمانی باشد که به تک تک شما نیاز داشته باشیم، همین الآن است. شما به من نیاز دارید و من به شما. خدا به هر دو ما نیاز دارد. بیایید با قلب و عمل خویش به یکدیگر بیونیدیم. بیایید به این فکر نکنیم که ما ناصری، کاتولیک، پرزبتری، پنطیکاستی و یا هر چیز دیگر هستیم. بیایید فقط مسیحی باشیم. بیایید به یک بازو چنگ اندازیم، حتی برای گناهکاران و آنها را نیز وارد کنیم. این دعای خاضعانه و خالصانه‌ی من است.

۵-۱۶. آن فرشته‌ای که به سدوم آمد، اکنون آمده و وعده داده شده است. یادتان باشد که همان فرشته آمد. همه می‌دانند که آن خدا بود. این آن بدن نبود، زیرا که جسم از خاک است.

چند وقت پیش در مورد اینکه او خدا بود، با یک نفر صحبت می‌کردم. او می‌گفت... یک خادم... او می‌گفت: "اوه، برادر برانهام! شما که اعتقاد ندارید او خدا بود؟"

گفتم: "او خدا بود. ابراهیم گفت که چنین بود." ابراهیم او را الوهیم خطاب کرد. این خدای قادر مطلق است، او و دو فرشته.

او گفت: "خوب، شما فکر کرده‌اید که او در یک بدن زندگی می‌کند؟"

گفتم: "این خیلی ساده است. ما از ۱۶ عنصر تشکیل شده‌ایم. پتاسیم، کلسیم و... خدا فقط یک مشت از آن را جمع کرد و دمید. [برادر برانهام با دهان خود این را نشان می‌دهد.] او گفت: "جبرئیل به آن داخل شو..." و دمید، "میکائیل به آن داخل شو..." و یک بار هم برای خود دمید. او گفت: "شرارت سدوم را شنیده‌ام، اکنون نازل شویم و ببینیم. خودمان نازل شویم. ابراهیم در حال موعظه بوده است، سایرین نیز در حال موعظه بوده‌اند. برویم و خودمان ببینیم."

۱۷-۲. آنها به کجا آمدند؟ به سمت برگزیده. یکی آن پشت نشسته بود و با ابراهیم صحبت می‌کرد. و ابراهیم او را الوهیم خطاب کرد. به حرف (ای - E) که در (الوهیم - Elohim) بصورت بزرگ نوشته شده، نگاه کنید و ببینید که آیا این درست نیست؟ یهوه خداوند خدا. او در یک بدن جسمانی بود. شما فقط این را تشخیص نمی‌دهید که خدا چیست. خدا فقط می‌تواند نجوا کند و خوشحالم که بدانم او خداست. یکی از همین روزها چیزی جز مثنی خاکستر نخواهم بود، اما او سخن گفته و من دوباره به حیات خواهم آمد. او خداست.

۱۷-۳. مدتی پیش همسر من می‌گفت: "بیلی! داری طاس می‌شوی."

گفتم: "حتی یک تار هم از موی من کم نشده است."

او گفت: "و آنها کجا هستند؟"

گفتم: "به من بگو قبل از اینکه من آنها را داشته باشم، کجا بودند؟ و من به تو خواهم

گفت آنها کجا در انتظار من هستند."

درست است. حتی تار مویی از شما کم نخواهد شد. خدای آسمانی... [فضای خالی روی نوار] که همه چیز را تحت کنترل دارد خواهد گفت: "ویلیام برانهام! (یا هر چیز دیگر) پدید بیا." و من به شباهت او خواهم بود. هلولیوا! همان خدا امشب از طریق

روح القدس در جلال شکینه در بین ما ساکن است و خود را با همان آیات و نشانه‌ها که انجام داده بود، اثبات می‌نماید.

اگر امروز درخت مو میوه‌ی انگور می‌دهد، فردا هم انگور خواهد داد. اگر این یک تاک انگور است، همیشه انگور خواهد داشت. ما هرگز از طریق عقلانیت و روشنفکری وارد حضور خدا نخواهیم شد. ما باید از طریق روح القدس وارد شویم، زیرا این تنها نوع روح است که کلیسای روح القدس ثمر می‌دهد، ثمره‌ی روح، حیات مسیح در ما.

۱۷-۵. همان فرشته اینجاست، یک شاهد که قبل از تخریب سدوم و غموره به سمت تباهی، پیش می‌رود.

حال ببینیم، چند نفر کارت دعا دارند؟ دست خود را بلند کنید. تقریباً ۴۰ یا ۵۰ نفر. چند نفر کارت دعا ندارند؟ دست خود را بلند کنید. تعداد آنها سه برابر است. بسیار خوب. احساس می‌کنم هدایت شدم تا کاری انجام دهم. از آنهایی که کارت دعا نگرفته‌اند، انتخاب می‌کنیم. آنهایی که کارت دعا دارند، شاید... خوب، آنها هم می‌توانند وارد صف شوند، اما در این مرحله فقط کسانی را می‌خوانیم که کارت دعا ندارند. دوباره دست خود را بلند کنید. کسانی که بیمار هستند و کارت دعا ندارند، تا من بتوانم... بسیار خوب.

۱۸-۱. این یک آزمایش است. آیا ایمان دارید که من حقیقت را به شما گفته‌ام؟ آیا ایمان دارید که دارای بصیرت روحانی برای تشخیص این حقیقت هستید؟ لازم نیست حتماً به این بالا بیایید. من شفا دهنده نیستم. من یک انسان هستم. من برادر شما هستم. شفا دهنده‌ی شما مسیح است، فقط اگر شما بتوانید وجود او را تشخیص دهید.

اکنون، اگر او برای شفای شما بیاید، اگر او با کت و شلوار اینجا ایستاده بود، نمی‌توانست شما را شفا بدهد، زیرا اکنون آن را انجام داده است. او فقط می‌تواند اثبات کند که مسیح است. شما چطور باید این را بدانید؟ شما او را توسط ثمره‌ی روح

می‌شناسید. او چه نوع زندگی داشت.

وقتی او اینجا بود تا اثبات کند که ماشیح است، چه کاری انجام داد؟ وقتی او به پطرس و یوحنا، یا پطرس و نتنائیل گفت چه کسانی و اهل کجا هستند، این نشانه‌ی او برای یهودیان بود. این پایان دوران آنها بود.

یک دسته‌ی دیگر از مردم هم بودند که منتظر آمدن او بودند، آن هم سامریان بودند که نیمی یهودی و نیمی امت‌ها هستند. او بر سر چاه در مورد گناهان آن زن به او گفت، و آن زن متوجه شد که این نشانه‌ی ماشیح است.<sup>۲۷</sup>

او گفت: "می‌دانیم که ماشیح اینها را به ما خواهد گفت، ولی تو که هستی؟"  
او گفت: "من او هستم."

۴-۱۸. او به سمت امت‌ها نرفت، رفت؟ چون امت‌ها در انتظار او نبودند. چند نفر ایمان دارند که خدا بی‌نهایت است؟ خوب مطمئناً او بی‌نهایت است. پس او نمی‌تواند اینجا کار دیگری انجام دهد و عادل باشد. او باید همان کار را انجام دهد. اگر او نقشه‌ی بهتری داشت، باید از همان ابتدا آن را انجام می‌داد.

وقتی خدا برای هر چیزی به صحنه خوانده شده باشد و با داوری که او انجام می‌دهد... اگر یک گناهکار فریاد برآورده و خدا او را براساس لیاقت ایمانش نجات داده است، باید گناهکار بعدی و بعدی را هم بر همان مبنی نجات دهد. او باید در همین زمان هم این کار را بکند، وگرنه زمانی که اولین گناهکار را نجات داد، اشتباه کرده است.

۱-۱۹. او باید همان کار را با شفا دادن انجام دهد. او الحال آن کار را به اتمام رسانده است. تنها چیزی که باید تشخیص دهید، این است که او یک اسطوره نیست، او یک

<sup>۲۷</sup> اشاره به انجیل یوحنا باب ۴

خدای تاریخی نیست. او خدای زنده و حاضر است، عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابدالآباد همان، همین الآن. ایمان دارید که او اینجاست؟ این را تشخیص می‌دهید؟

می‌خواهم پشتم را به جمعیت بکنم. حال، دعا می‌کنم تا روح‌القدس آنچه را که امشب گفتم، اثبات کند. در پایان این پیغام، همان نشانه‌هایی که عیسی گفت به سدوم داده شد، به این نسل داده خواهد شد. "چنان‌که در ایام سدوم بود، در آمدن پسر انسان نیز چنان خواهد بود." آن وقت شما تشخیص می‌دهید که چه روحی اینجاست.

۱۹-۳. دوباره می‌پرسم، چه کسی بیمار بود و کارت دعا نداشت؟ می‌خواهیم تا کارت‌های دعا را بگیریم. می‌خواهیم برای همه دعا کنیم.

حال، نمی‌توانم بگویم که شما کیستید. خدا این را می‌داند. ابتدا می‌خواهم کسی را بیابم که روح‌القدس... حال، هریک از شما فقط شروع کنید به دعا کردن و بگویید: "خداوندا! بر من ترحم فرما و به من کمک کن." و ببینید که او همان‌گونه که گفته است، این کار را انجام می‌دهد.

من به دنبال نشانه‌های او هستم. چند نفر می‌دانند که امروز عیسی همان ستون آتشی است که در پی بنی اسرائیل بود؟ "از جانب خدا آمده‌ام و به نزد خدا می‌روم." <sup>۲۸</sup> آیا این چیزی است که او گفت؟ و زمانی که پولس او را در راه دمشق ملاقات نمود، او چه بود؟ یک نور عظیم، ستون آتش. او امروز همان است. روح‌القدس خدا، بدن عیسی مسیح در آسمان به دست راست تخت خدا ایستاده است، اما روح او امروز اینجاست و کار او را تکمیل کرده و به پایان می‌رساند. او همان روحی است که در بدن عیسی مسیح زیست، همان روحی که در آن فرشته‌ای بود که به سدوم و غموره آمد. به این ایمان دارید؟ همانی که به دنبال بنی اسرائیل بود، همان خدا...

<sup>۲۸</sup> اشاره به انجیل یوحنا ۳:۱۳

۷-۱۹. عیسی گفت: "من آن صخره‌ای هستم که در بیابان بود. پدران شما من را خوردند و همه مردند؛ و من نان حیات هستم که از جانب خدا از آسمان آمده‌ام. من آن نان هستم. من آن صخره هستم."<sup>۲۹</sup>

"می‌گویی ابراهیم را دیده‌ای و بیش از پنجاه سال سن نداری."<sup>۳۰</sup>  
او گفت: "قبل از اینکه ابراهیم باشد، من هستم."

«هستم» که بود؟ شعله‌ی آتشی که در بوته‌ی خار بود و با موسی تکلم نمود. او امشب همان عیسی است. این یک حکم است، این طور نیست؟

۱-۲۰. این خانمی که یک چیز سفید روی کلاه خود دارد و اینجا نشسته است! آیا شما کارت دعا دارید؟ بیمار هستید؟ آیا ما با یکدیگر غریبه هستیم؟ خدا هر دو ما را می‌شناسد. یک نور بالای سر این زن است، اگر بتوانید ببینید، بالای سر او درحال چرخش است. او داشت دعا می‌کرد. درست است؟ می‌دانی که فرصت آمدن به این بالا را نداری، ولی داشتی دعا می‌کردی، چون دیدم که زیر آن نور یک سایه‌ی تاریک است، این مرگ است. این زن در سایه‌ی مرگ است. او مبتلا به سرطان است. آیا ایمان داری که خداوند می‌تواند تو را شفا بدهد؟ سرطان سینه. می‌بینم دکتر به شما گفته است که نیاز به جراحی دارید و شما قرار است تحت عمل جراحی قرار بگیرید. و می‌بینم که از یک جایگاه یا چیزی شبیه به این پایین می‌آید، شما واعظ هستید، یک واعظ زن. این «خداوند چنین می‌گوید» است. خانم! درست است؟ آیا آنچه گفته شد، درست بود؟ اگر درست است، سرپا بایستید.

اکنون، آیا ایمان دارید که... آیا می‌توانید تمییز دهید که این همان عیسی است که آن زن ردای او را لمس نمود؟ نه من، بلکه او. من این زن را نمی‌شناسم، او هم من را

<sup>۲۹</sup>اشاره به انجیل یوحنا باب ۶

<sup>۳۰</sup>اشاره به انجیل یوحنا باب ۸



نمی‌شناسد، اما خداوند هر دو ما را می‌شناسد. خواهر! خدا به شما برکت بدهد.

یک زن را در رویا می‌بینم. او در حال دعا است. او یک خانم جوان است. همینجا نشسته است. دعای او در مورد یک کودک است. این یک... او می‌خواهد... نه، او یک کودک داشته است. او، این یک سقط ناخواسته است، این چیزی است که اتفاق افتاده است، یک کودک مرده. او اهل کنتاکی<sup>۳۱</sup> و نامش مارتین است. <sup>۳۲</sup> خانم مارتین! کجا هستید؟ بله، با یک پیراهن زرد رنگ. درست است. آیا همین‌طور است؟ اگر چنین است، سرپا بایستید. من این زن را نمی‌شناسم، ولی خدا او را می‌شناسد. نام خداوند متبارک باد.

درست پشت سر او، خانم دیگری نشسته است. او به هموروئید مبتلا است. او در سمت راست خود دچار مشکل است. یک خانم درشت اندام که لباس مشکی به تن دارد. خانم! آیا کارت دعا دارید؟ ندارید؟ به آن احتیاجی ندارید. آیا ایمان دارید چیزی را لمس کرده‌اید؟ شما هرگز من را لمس نکرده‌اید، شما او را لمس نموده‌اید. بسیار خوب، پس دست خود را با دستمالی که در دست دارید، بلند کنید و شقای خود را بپذیرید. به خانه بروید و در نام عیسی مسیح شفا یابید.

۲۰-۵. اینجا را ببینید. یک خانم اینجا نشسته که لباسی شطرنجی به تن دارد. او سر خود را خم کرده و برای پدرش دعا می‌کند. او مشکل کبد دارد. خواهر! آیا ایمان دارید که خدا می‌تواند او را شفا دهد؟ ایمان دارید؟ پس می‌توانید این را داشته باشید.

خانم! شما این قدر مهربان هستید که برای خانم دیگری دعا می‌کنید. به همین دلیل روح‌القدس به سمت شما حرکت کرد. درست است. آیا کارت دعا دارید؟ ندارید؟ احتیاجی به آن ندارید. شما برای یک مادر دعا می‌کنید و در این فکر هستید که فردا

شب او را به کلیسا بیاورید. مجبور نیستید این کار را بکنید. دست خود را بر او بگذارید و نام عیسی مسیح را بخوانید. اگر ایمان داشته باشید، او خوب خواهد شد.

۱-۲۱. ایمان شما را به چالش می‌کشم. چه کس دیگری هست که کارت دعا نداشته باشد و بخواهد ایمان بیاورد؟

شما، شما که این جلو نشسته‌اید! آیا ایمان دارید که من نبی خدا هستم؟ یک نبی، رسول و پیغام‌آور برای یک دوره است. ایمان دارید که من پیغام خدا را دارم؟ آیا ایمان دارید؟ من شما را نمی‌شناسم، ولی خدا شما را می‌شناسد. اگر او مشکل شما را به من بگوید، آیا شما آن را بعنوان شفا دهنده‌ی خود می‌پذیرید؟ ایمان می‌آورید که این... آن وقت می‌توانید تمییز دهید که... اگر روح شما بتواند زمانی که من صحبت می‌کنم، او را لمس کند، آن وقت شفای خود را خواهید پذیرفت. این طور نیست؟ مشکل در سینه‌ی شماست، یک جای زخم. علاوه بر آن شما یک واعظ هستید. درست است. این، «خداوند چنین می‌گوید» است. به خدا ایمان داشته باشید.

۳-۲۱. می‌خواهم روی خود را برگردانم. دعا کنید، ببینید که او همان فرشته است. ببینید این همان خدایی است که وقتی پشتش به چادر بود، آن وعده را داد. دعا کنید. خداوند خدا فرشته‌ی خود را فرستاد، تا اثبات کند پایان سدوم نزدیک است.

اوه خداوند خدا! امشب فرشته‌ی خود را بفرست و همان بصیرت را بده، زیرا این وعده‌ی پسر توست و بگذار که چنین باشد.

یک زن مقابل من ایستاده و از زکام و سردرد رنج می‌برد. او در انتهای این قسمت، در این ردیف است، چون احساس می‌کنم که او... نام او خانم ویلی<sup>۳۳</sup> است. او کجاست؟ ببینیم. یک جایی این عقب. هرچند... آنجا... خانم! آیا درست بود؟ بسیار خوب، به

سلامت به منزل برگردید. به خدا ایمان داشته باشید. بعضی از شما یک جایی دعا می‌کنید. اوه خداوندا! بگذار آشکار گردد که تو خدا هستی.

۷-۲۱. یک خانم جلوی من و در جمعیت دعا می‌کند، او مشکلات بغرنجی دارد. او یک لباس شطرنجی قرمز و سفید پوشیده است. نام او خانم لیک<sup>۳۴</sup> است. خانم لیک! کجا هستید؟ هر جا که هستید، سرپا بایستید. خدا به شما برکت بدهد. به سلامت به منزل بروید. ایمانتان شما را نجات داد.

این همان عیسی است. این همان فرشته است. آیا بصیرت یافته‌اید تا بدن خداوند را تمییز دهید؟ ایمان دارید که من حقیقت را به شما می‌گویم؟ آیا ایمان دارید که مسیح به آن شهادت می‌دهد؟ اگر ایمان دارید، دست خود را بلند کنید. چند ایماندار اینجا هستند که دست خود را بلند خواهند کرد؟ پس شما بعنوان نبی خدا به من ایمان دارید. به این شک نکنید. دست‌هایتان را که در حضور خدا برافراشته‌اید، بر نفر کناری بگذارید و برای او دعا کنید تا جلال خدا را ببینید. این کاری است که او قادر به انجام آن است.

می‌توانید بدن خداوند را تمییز دهید. می‌توانید روح را که اینجاست، تمییز دهید. "این آیات همراه ایمانداران خواهد بود که دست‌ها بر بیماران بگذارند و شفا خواهند یافت."<sup>۳۵</sup>

۱-۲۲. خداوند خدا! خالق آسمان‌ها و زمین! خالق حیات ابدی! شیطان را از تمام ایمانداران دور کن. آنها ایماندار هستند و بر یکدیگر دست گذارده‌اند. آنها به خدا ایمان دارند و باور دارند که تو این کار را خواهی کرد. خداوندا! کلام تو مانند وعده‌های لغزش ناپذیر است. وعده‌ی تو این بود که: "دست‌ها بر بیماران بگذارند و شفا خواهند یافت."

اکنون ای شیطان! ای روح پلید و ناپاک که ستم و جور تو این قوم را به خاک افکنده است، به نام عیسی مسیح، پسر خدای زنده به تو فرمان می‌دهم که این قوم را رها کنی. در نام عیسی مسیح، از آنها خارج شو.

۲۲-۳. حال، دست خود را بر یکدیگر بگذارید و با ایمان دعا کنید. هنگامی که روح خدا را احساس نمودید، تمییز دهید که این وعده‌ی خدا برای شماست. تمام کسانی که می‌توانید قدرت خدا را که در شما جاری است، احساس کنید؛ سرپا بایستید و شفای خود را بپذیرید. به تک تک شما ایمانداران، در نام عیسی مسیح فرمان می‌دهم که سرپا بایستید و عیسی را بعنوان شفا دهنده‌ی شخصی خود بپذیرید. شما که روی صندلی چرخدار، برانکارد و سایر چیزها هستید! برخیزید، بلند شوید.

به خدا ایمان داشته باشید. در نام خداوند عیسی مسیح شفا یابید. آنها دارند از صندلی‌های چرخدار و برانکاردها بلند می‌شوند.

بسیار خوب، برادر سالیوان!

بدترین کار در دنیا این است که فردی بخواهد چیزی را جعل و یا تقلید نماید. در دنیای امروز از این افراد زیاد وجود دارند. امروز ما که چنین هستیم، نه تنها گناهکار همان گناهی هستیم که پولس بخاطرش کلیسای قرنتیان را ملامت می کرد، بلکه تلاش می کنیم کاری را که خداوند فرمان داده، بدون تمییز دادن بدن خداوند انجام دهیم. ایمانداران، بدن خداوند هستند.

**William Marrion Branham**

**Discerning The Body Of The Lord**

Chautauqua, Ohio

59-0812